

تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران

آیت الله عباس کعبی

عنوان پژوهش

تحلیل مبانی اصل سیزدهم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۱۱

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۲/۲۷



شناسنامه

عنوان:

**تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران
تحلیل مبانی اصل سیزدهم قانون اساسی
آیت‌الله عباس کعبی**

تحقیق و تنقیح: علی فتاحی

ویراستار تخصصی: علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۱۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۲/۲۷

پژوهشکده شورای نگهبان



تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران

تحلیل مبانی اصل سیزدهم قانون اساسی

فهرست مطالب

۲.....	مقدمه
۳.....	مبحث اول: چارچوب مفهومی
۳.....	گفتار اول: اقلیت‌های دینی
۵.....	گفتار دوم: دین زرتشت
۷.....	گفتار سوم: دین کلیمی (یهودی)
۸.....	گفتار چهارم: دین مسیح
۱۰.....	مبحث دوم: مبانی دینی اساسی‌سازی اقلیت‌های مذهبی
۱۰.....	گفتار اول: مبانی دینی اساسی‌سازی ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی
۱۵.....	گفتار دوم: مبانی دینی حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های دینی
۱۶.....	بند اول: اهل ذمه بودن اهل کتاب
۱۸.....	بند دوم: معاهد بودن اقلیت‌های دینی
۲۱.....	مبحث سوم: تکالیف و حقوق اهل کتاب معاهد در حکومت اسلامی
۲۱.....	گفتار اول: تکالیف اهل کتاب در حکومت اسلامی
۲۳.....	گفتار دوم: حقوق اهل کتاب در حکومت اسلامی
۲۴.....	بند اول: آزادی انجام مراسم عبادی و آزادی تعلیمات دینی
۲۵.....	بند دوم: آزادی احوال شخصیه
۲۷.....	جمع‌بندی بخش ششم

اصل سیزدهم

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند.

مقدمه

از یک سو با نگاهی به نظام‌های سیاسی مدرن می‌توان دریافت که شاید امروزه هیچ نظام حقوقی در دنیا وجود ندارد که همه‌ی اتباع آن از منظر نژادی، زبانی، قومی، دینی و مانند این‌ها تابع یک نژاد، یک زبان و یا دین واحدی باشند و بر همین اساس وجود اقلیت‌ها در نظام‌های گوناگون اجتناب‌ناپذیر است و همه‌ی دولت‌ها به‌نحوی با موضوع اقلیت‌ها مواجه‌اند. در این صورت بیشتر نظام‌های سیاسی دارای اکثریت جمعیتی با عقاید، فرهنگ، زبان، دین و آداب و رسوم مشترک‌اند که گروه‌های کوچکی براساس ویژگی‌های خاص از آن اکثریت متمایز می‌شوند. چنانچه شاکله‌ی یک حکومت مبتنی بر یکی از ویژگی‌های نژادی، قومی، زبانی، دینی و مانند این‌ها استوار شده باشد، ظهور و بروز آن خصوصیت و در پی آن تبیین مسئله‌ی اقلیت‌ها و جایگاه آن‌ها در نظام سیاسی امری مهم و ضروری تلقی می‌شود. از سوی دیگر در دوره‌ی معاصر قوانین اساسی که با هدف چارچوب‌بندی قدرت و پاسداری و صیانت از حقوق مردم در برابر اقتدارات حاکمان به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی و سیاسی یک کشور به تصویب می‌رسد، به‌منظور ارتقای جایگاه خود نسبت به موضوعات حقوق بشری، قواعد حقوقی مشخصی را در موضوع حقوق اقلیت‌ها مدنظر قرار می‌دهند.

بر این اساس از آن‌جا که مقدمه و اصول گوناگون قانون اساسی^(۱) هدف از ایجاد نظام جمهوری اسلامی ایران را تأسیس نظامی مکتبی بر مبنای عقاید اسلامی مانند ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او، وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین، معاد و نقش سازنده‌ی آن در سیر تکاملی انسان به‌سوی خدا، عدل خدا در خلقت و تشریع، امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی، تأکید بر تصویب قوانین و مقررات لازم‌الاجرا براساس موازین اسلامی و رسمیت‌بخشی به دین اسلام و مذهب شیعه‌ی جعفری

۱. همانند اصول ۲، ۴، ۱۲ و ...

اثنی عشری می‌دانند، بررسی جایگاه اقلیت‌های دینی ضروری و مهم است. از همین رو قانونگذار اساسی در مقام بیان جایگاه اقلیت‌های دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران و رابطه‌ی مسلمانان با پیروان اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در حکومت اسلامی در اصل ۱۳ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند».

بر این اساس آنچه در خصوص تحلیل و بررسی مبانی فقهی و کلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در این اصل اهمیت دارد، مطالعه‌ی جایگاه اقلیت‌های دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر بررسی جایگاه فقهی و کلامی اصل ۱۳ قانون اساسی است. به بیان دقیق‌تر در میان آموزه‌های فقهی و کلامی شیعه چه مبانی‌ای برای اساسی‌سازی موضوع اقلیت‌های دینی در قانون اساسی مبتنی بر شریعت اسلام وجود دارد؟ به‌منظور تبیین سؤال اصلی می‌توان به سؤالات دیگری از جمله علل ذکر ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به‌عنوان تنها ادیان شناخته‌شده و حقوق ناشی از شناسایی ادیان در نظام حقوقی اسلام اشاره کرد. در مقام پاسخگویی به پرسش‌های مطرح‌شده و سؤالاتی از این دست، ابتدا چارچوب مفهومی موضوعات مطرح در پژوهش بررسی می‌شود، پس از آن مبانی فقهی و کلامی شناسایی این ادیان به‌عنوان تنها ادیان شناخته‌شده در قانون اساسی بیان شده و در پایان نیز حقوق ناشی از این شناسایی تبیین می‌شود.

مبحث اول: چارچوب مفهومی

اقلیت‌های دینی و ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مهم‌ترین کلیدواژگان مطرح در اصل ۱۳ قانون اساسی‌اند که مطالعه‌ی مبانی فقهی و کلامی این اصل مستلزم تبیین مفاهیم آن‌ها برای دستیابی به درک مشترک میان نگارنده و مخاطبان است.

گفتار اول: اقلیت‌های دینی

واژه‌ی اقلیت در لغت به معنای اندک بودن، کم بودن، قسمت کمتر، مقابل اکثریت و جمعیت یا گروهی که دارای نژاد، مذهب یا آداب و رسوم خاصی باشند و نسبت به عموم مردم تعدادشان کم باشد، به‌کار می‌رود.^(۱) اقلیت در اصطلاح به معنای گروه‌های

۱. دهخدا، لغت‌نامه، همان، مدخل اقلیت؛ معین، فرهنگ فارسی، همان، مدخل اقلیت.

کوچکی است که در جوامع زندگی می‌کنند و در خصوصیات و ویژگی‌هایی همانند دین، نژاد، رنگ، زبان و مانند این‌ها با یکدیگر اشتراک دارند.^(۱) به بیان دیگر، مقصود از اقلیت قسمتی از افراد جامعه‌ی انسانی است که از منظر دین، زبان، نوع زندگی و فرهنگ با اکثریت جامعه متفاوت‌اند.^(۲) از منظر حقوقی^(۳) می‌توان اقلیت را گروهی از اتباع یک کشور دانست که از لحاظ یکی از خصوصیات قومی، نژادی، دینی و مانند این‌ها از سایر مردم متفاوت و از لحاظ تعداد کم‌ترند و همچنین قدرت حکومت را در دست ندارند.^(۴) به بیان دقیق‌تر، اقلیت به گروه‌هایی گفته می‌شود که با وجود داشتن تابعیت یک دولت از نظر ویژگی‌های مذهبی، قومی، زبانی و مانند این‌ها متفاوت از اکثریت افراد کشورند، تعداد کمتری نسبت به اکثریت جمعیت کشور دارند و در موقعیت حاکمیت هم قرار ندارند، هرچند به‌صورت ضمنی، خصوصیتی دارند که بین آن‌ها و جمعیت اکثریت پیوندهایی برقرار می‌کند.^(۵)

در مفهوم اقلیت از این منظر می‌توان بین عناصر عینی و ذهنی تفکیک قائل شد. عنصر عینی بیانگر عدد (کمیت) و استیلا (در دست داشتن حاکمیت) است و عنصر ذهنی به اراده‌ی مشترک جمعیت اقلیت مبنی بر حفظ خصوصیات و ویژگی‌های مشترک اشاره دارد.^(۶) از منظر بحث‌های مرتبط با اقلیت در اسناد سازمان ملل متحد می‌توان به ویژگی‌هایی همانند خصوصیات قومی، ملی، مذهبی و زبانی یک گروه که با گروه‌های

۱. شریعتی، روح‌الله، اقلیت‌های دینی، تهران، کانون اندیشه‌ی جوان، ۱۳۸۷، ص ۲۰.
۲. شوتاژ، سوفی، شناخت و درک مفاهیم جغرافیایی سیاسی، ترجمه‌ی سید حامد رضی، تهران، سمت، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱.

۳. از جمله تعاریف دیگر مطرح در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «اقلیت آنکه کمتر است در رابطه‌ی دو معدود مانند حاضرین یک مجمع یا اعضای جامعه به‌علت اختلاف نظر و رای در مطلبی یا عقاید دینی و یا به‌علت عقاید نژادی و السنه. گروه کمتر را اقلیت گویند و گروه بیشتر را اکثریت.» (جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، همان، ج ۱، ص ۵۶۴). در تعریف دیگر، اقلیت به گروهی از مردم گفته می‌شود که دارای فرهنگ، نژاد، سنن و یا مذهب جداگانه‌ای غیر از فرهنگ و مذهب کشوری باشند که در آن زندگی می‌کنند (علی‌بابایی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی آرش، تهران، آشیان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱).

۴. مهرپور= حسین، حقوق بشر و راهکارهای آن، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۶، ص ۱۷۶.
۵. عزیزی، ستار، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، همدان، نور علم، ۱۳۸۵، ص ۷۸.
۶. پروین، خیراله و سیما سپهری، «حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی»، دوفصلنامه‌ی مطالعات حقوق بشر، ش ۶، ۱۳۹۳، ص ۷۵.

داخل در حاکمیت متفاوت است، اشاره کرد.^(۱)

بر مبنای تعاریف مذکور، چهار ویژگی بارز در تعریف اصطلاح اقلیت در نظام‌های حقوقی وجود دارد؛ اولاً اقلیت‌ها از لحاظ دینی، مذهبی، قومی و مانند این‌ها ویژگی متمایزی دارند؛ ثانیاً از لحاظ تعداد، جمعیت آن‌ها نسبت به سایر اقشار جامعه کمتر است؛ ثالثاً قدرت سیاسی در اختیار آن‌ها نیست و رابعاً دارای تابعیت نظام حقوقی مشخصی‌اند و این تابعیت ناشی از خصوصیت مشترک میان آنان و جمعیت اکثریت جامعه است که موجب ایجاد پیوند میان جمعیت اقلیت و اکثریت می‌شود.^(۲)

این اصطلاح به‌طور معمول با ذکر پسوندهایی به‌کار می‌رود که بیانگر خصوصیتی است که گروه اقلیت را از اکثریت متمایز می‌کند.^(۳) برای نمونه هنگامی که از اقلیت‌های زبانی سخن به میان می‌آید، به گروهی از مردم اشاره دارد که از منظر زبانی با اکثریت زبانی جامعه متفاوت‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۳ عبارت «اقلیت‌های دینی» را به‌کار برده است. بر این اساس این عبارت به گروهی از مردم گفته می‌شود که دین مورد پذیرش آن‌ها با دین اکثریت جامعه متفاوت است. به بیان دقیق‌تر، اقلیت‌های دینی به اصول، عقاید و مقررات فقهی و اخلاقی معتقدند که با اعتقادات اکثریت مردم جامعه متفاوت است و مقصود از اقلیت‌های دینی در اصل ۱۳، به گروه اندکی از مردم ایران اشاره دارد که پیرو دینی غیر از دین اسلام به‌عنوان دین رسمی مردم ایران باشند و از نظر تابعیت نیز تابعان جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تنها ادیان کلیمی، مسیحی و زرتشتی را به‌عنوان اقلیت‌های دینی شناخته‌شده معرفی می‌کند.

گفتار دوم: دین زرتشت

دین زرتشت که در قرآن از آن به مجوس^(۴) تعبیر شده، یکی از اقلیت‌های دینی

۱. زارعی، بهادر؛ زبني‌وند، علی و کيميا محمدی، «حقوق اقلیت‌ها از منظر اسناد بین‌المللی»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ش ۱، ۱۳۹۲، ص ۵۱.
۲. تربری، پاتریک، حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، ترجمه‌ی آریتا شمشادی و علی‌اکبر آقایی، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، ص ۱۲.
۳. پروین، «حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی»، همان، ص ۷۵.
۴. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّيِّئِينَ وَالتَّوَّابِينَ وَالْمُجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»؛ همانا آنان که ایمان آوردند و آنان که یهودی‌اند و صابنان و

شناخته شده در نظام جمهوری اسلامی ایران است. در خصوص این دین باید گفت که تاریخ حیات زرتشت و زمان ظهور او مبهم است، چراکه کتاب مقدس این آیین در داستان حمله‌ی اسکندر بر ایران به کلی از بین رفته و حتی نسخه‌ای از آن نیز باقی نماند، تا آنکه در زمان ملوک ساسانی بار دیگر این کتاب‌ها به رشته‌ی تحریر درآمد.^(۱)

برخی زرتشت را از پیامبران الهی می‌دانند. از جانب وی سه کتاب «زند» و «پازند» و «اویستا» رسیده است که در آن‌ها الفاظ نامفهومی وجود دارد و گروهی از روحانیان مذهبی این آیین [مغان] اقدام به تفسیر و تأویل این الفاظ می‌کنند.^(۲) در آیین زردشت، اهورامزدا خدای بزرگ است. هفت ملک [امشاسپند] و گروه بسیار از فرشتگان مجریان اراده‌ی او هستند. سه رکن مهم دین زرتشت پندار (اندیشه) نیک، کردار نیک و گفتار نیک است.^(۳) در خصوص اعتقادات آنان باید گفت که زرتشتیان بر این باورند «که برای تدبیر عالم دو مبدأ است، یکی مبدأ خیر، و دیگری مبدأ شر. اولی نامش «یزدان» و دومی «اهریمن» و یا اولی «نور» و دومی «ظلمت» است. و نیز مسلم است که ایشان ملائکه را مقدس دانسته، بدون اینکه مانند بت پرستان برای آن‌ها بتی درست کنند، به آن‌ها توسل و تقرب می‌جویند. و نیز مسلم است که عناصر بسیطه- و مخصوصاً آتش را- مقدس می‌دارند».^(۴) از جمله مهم‌ترین اعتقادات این آیین می‌توان به اعتقاد به جهان دیگر، صراط، میزان، داوری، بهشت و دوزخ اشاره کرد.^(۵)

زرتشتیان ایران از قدیمی‌ترین اقوام هستند که قدمت تاریخی آن‌ها به سه هزار سال قبل باز می‌گردد. هرچند پس از ورود اسلام به ایران، اکثریت جمعیت ایران دین اسلام را پذیرفتند، اما همچنان تعدادی از ایرانیان بر دین زرتشت باقی مانده‌اند.

نصاری و زرتشتیان و کسانی که شرک ورزیده‌اند، حتماً خدا روز قیامت میانشان داوری می‌کند [تا] گرویدگان به حق از آلودگان به باطل جدا شوند و حق‌پیشگان به بهشت و باطل‌گرایان به دوزخ درآیند] بی‌تردید خدا بر همه چیز گواه است. (حج: ۱۷).

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، همان، ج ۱۴، ص ۵۰۵.
۲. حسینی علوی، ابوالمعالی محمد، بیان الادیان در شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی، تهران، روزنه، ۱۳۷۶، ص ۳۲.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، رساله در توحید، ترجمه‌ی همایون همتی، تهران، نشر ضحی، ۱۳۶۶، ص ۱۵.
۴. طباطبایی، تفسیر المیزان، همان، ج ۱۴، ص ۵۰۵.
۵. خاتمی، احمد، فرهنگ علم کلام، تهران، صبا، ۱۳۷۰، ص ۱۲۷.

هم‌اکنون هزاران ایرانی زرتشتی در تهران، کرمان، یزد، شیراز و سایر نقاط کشور در کنار مسلمانان زندگی می‌کنند و آزادانه به انجام مراسم دینی خود می‌پردازند.^(۱)

گفتار سوم: دین کلیمی (یهودی)

یکی دیگر از ادیان شناخته‌شده در اصل ۱۳ قانون اساسی، دین کلیمی است. دو عنوان کلیمی و یهودی، به پیروان حضرت موسی علیه السلام، پیامبر اولوالعزم الهی، و پیامبران قبل از ایشان گفته می‌شود که در موسی توقف کردند و کتابشان تورات است.^(۲) کلیمیان بر این باورند هنگامی که موسی علیه السلام برای سخن گفتن با خداوند به کوه طور رفت، که این تاریخ آغاز شریعت یهود نیز تلقی می‌شود، دو لوح به او داده شد که در آن‌ها فرمان‌های خداوند متعال ذکر شده بود. این فرمان‌های مهم که به «ده فرمان» معروف شده است عبارت‌اند از: برای خود، خدایی جز من نگیرید؛ بر بتان سجده نکنید؛ نام مرا به باطل بر زبان میاورید؛ شنبه را گرمی بدارید؛ پدر و مادر خویش را احترام بگذارید؛ کسی را به ناحق مکشید؛ زنا نکنید؛ دزدی نکنید؛ بر همسایه شهادت به دروغ ندهید؛ به مال و ناموس همسایه‌ی خویش طمع نکنید.^(۳)

آنان تورات و دیگر متون مقدس پیامبران بنی‌اسرائیل را «عهد عتیق» می‌نامند. اساس عهد عتیق اسفار پنج‌گانه‌ای است که بنابر اعتقاد کلیمیان بر موسی نازل شده است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به سفر پیدایش،^(۴) سفر خروج،^(۵) سفر لاویان،^(۶)

۱. مشکور، محمدجواد، خلاصه‌ی ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، تهران، انتشارات شرق، ۱۳۷۲، ص ۱۰۸.

۲. طباطبایی، تفسیر المیزان، همان، ج ۱۴، ص ۵۰۵.

۳. مکارم شیرازی، دائرةالمعارف فقه مقارن، همان، ج ۱، ص ۵۸۷.

۴. سفر پیدایش (تکوین): این سفر با روایت خلق جهان و انسان آغاز می‌شود. خدا آدم را به‌صورت خود آفرید و وی را با همسرش حوا در باغ عدن جای داد، اما ایشان گناه کردند و از باغ رانده شدند. داستان زندگی آدم و فرزندان، داستان نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب و پسران او - که پدران اسباط دوازده‌گانه بنی اسرائیل‌اند - در این سفر گزارش شده است و با بیان مرگ یوسف در مصر، خاتمه می‌یابد.

۵. سفر خروج: این سفر با روایت تولد موسی آغاز می‌شود و با گزارش بعثت او و پس از خروج بنی‌اسرائیل از مصر ادامه می‌یابد. سه ماه پس از خروج از مصر، موسی بر روی کوه سینا دو لوح دریافت کرد که این ده حکم، که به «ده فرمان» مشهور است، بر آن‌ها نقش بسته بود. پس از ده فرمان در چند باب متوالی این سفر بخشی از احکام شرعی، به‌ویژه حقوقی، ذکر شده است.

۶. سفر لاویان: این سفر را از آن جهت «لاویان» نام نهاده‌اند که احکام مربوط به کاهنان را، که از خاندان لاوی‌اند، دربردارد. باب‌های نخستین این سفر از شیوه قربانی برای گناهان، به‌ویژه گناهان کاهنان، سخن می‌گوید همچنین احکام خوردنی‌های پاک و ناپاک و روز شبات (شنبه) و ... در این سفر آمده است.

سفر اعداد (شمارش)^(۱) و سفر تنبیه^(۲) اشاره کرد.^(۳)

براساس آموزه‌های قرآن کریم یهودیان انواع گوناگونی از تحریف را در آموزه‌های حضرت موسی علیه السلام وارد کردند. تحریف‌های وارده گاهی تحریف‌های معنوی بود؛ به این معنا که با حفظ الفاظ، کتاب آسمانی را بر خلاف معنای واقعی آن تفسیر می‌کردند. گاهی دست به تفسیر لفظی می‌زدند و گاهی نیز آنچه را که مطابق میل و اراده‌ی آنان نبود مخفی می‌کردند.^(۴)

در خصوص تاریخ کلیمیت و ارتباط آن با ایران می‌توان گفت شش قرن پیش از میلاد مسیح، پادشاه بابل به پایتخت دولت یهود حمله کرد و آن را به تسخیر درآورد، شماری را کشت، عده‌ای را به اسارت برد و معبد سلیمان را ویران کرد. سرانجام کورش پادشاه ایران بابل را فتح و قوم بنی‌اسرائیل را آزاد کرد. از این زمان به بعد بنی‌اسرائیل به قوم یهود مشهور شد و با فرهنگ ایرانی نیز تماس یافتند.^(۵) پس از آن همواره سرزمین ایران محل امنی برای یهودیان محسوب می‌شد و آنان در مناطق مختلف ایران از جمله شوش، نهاوند، همدان، اصفهان و شیراز پراکنده شدند. هم‌اکنون تعداد زیادی از آنان در ایران ساکن‌اند و در مشاغل اقتصادی و بازرگانی فعالیت می‌کنند.^(۶)

گفتار چهارم: دین مسیح

دین مسیحیت نیز مطابق با اصل ۱۳ قانون اساسی یکی از ادیان شناخته‌شده در نظام جمهوری اسلامی ایران است. مسیحیت از ادیان بزرگ آسمانی و آیین حضرت عیسی‌بن مریم علیه السلام است.^(۷) کتاب مقدس مسیحیان دو بخش دارد. بخش اول عهد قدیم

۱. سفر اعداد: روایت آوارگی بنی اسرائیل در سینا، سرشماری این قوم، اعیاد و قربانی‌ها و برخی از احکام شرعی و حقوقی از محتویات این سفر است.
۲. سفر تنبیه: این سفر به تکرار احکامی که در اسفار پیشین آمده، و نیز به تاریخ بنی اسرائیل تا رحلت موسی می‌پردازد.
۳. همان، صص ۵۹۴-۵۹۶.
۴. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، همان، ج ۴، صص ۳۱۳ و ۳۱۴.
۵. پژوهشکده‌ی تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، همان، ص ۲۶۲.
۶. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام، تهران، میزان، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۸۳.
۷. در قرآن کریم از این دین تحت عنوان «نصاری» نیز یاد شده است (عسکری، سید مرتضی، عقاید اسلام در قرآن کریم، ج ۳، ترجمه‌ی محمدجواد کرمی، بی‌جا، مجمع علمی اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۶).

یا تورات و بخش دوم عهد جدید یا انجیل که این بخش تنها نزد مسیحیان مقدس است.^(۱) عهد جدید شامل چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا و نیز اعمال رسولان و نامه‌های پولس یکی از حواریون حضرت مسیح علیه السلام است.^(۲) محتوای انجیل نیز به بیان زندگی نامه و بیانات اخلاقی و پندهای حضرت عیسی علیه السلام می‌پردازد.^(۳) مسیحیت به سه فرقه‌ی بزرگ کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان انشعاب یافته‌اند.^(۴)

قرآن کریم ضمن بزرگداشت مقام حضرت مسیح علیه السلام و مادر ایشان حضرت مریم بر این باور است که دین مسیح تحریف شده است. قرآن کریم، آفرینش مسیح علیه السلام را همانند آدم علیه السلام می‌داند^(۵) و به صراحت، کسانی را که به تثلیث اعتقاد دارند یا مسیح را پسر خدا یا خدا می‌دانند، کافر می‌خواند.^(۶) قرآن در خصوص عاقبت ایشان نیز بیان می‌دارد که وی را نکشته و به دار نیاویخته‌اند، بلکه او به سوی خدا رفته است.^(۷)

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، همان، ج ۱۴، ص ۵۰۵.

۲. قرشی، قاموس قرآن، همان، ج ۷، ص ۱۷.

۳. به‌منظور مطالعه‌ی دقیق در خصوص انجیل گوناگون و دیدگاه اسلام در خصوص آن رک: طباطبایی، تفسیر المیزان، همان، ج ۳، صص ۴۸۶-۴۹۰.

۴. پژوهشکده‌ی تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، همان، صص ۲۵۶-۲۵۸.

۵. «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ «قطعاً داستان عیسی نزد خدا [از نظر چگونگی آفرینش] مانند داستان آدم است، که [پیکر] او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: [موجود زنده] باش پس بی‌درنگ [موجود زنده] شد.» (آل عمران: ۵۹).

۶. «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَتَلْنَاهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ»؛ «و یهود گفتند: عُزَیر، پسر خداست. و نصاری گفتند: مسیح، پسر خداست. این گفتاری [بی‌دلیل و برهان] است که به زبان می‌آورند، و به گفتار کسانی که پیش از این [به حقایق] کفر ورزیدند، شباهت دارد خدا آنان را نابود کند، چگونه [از حق به باطل] منحرف می‌شوند.» (توبه: ۳۰).

۷. «وَقَوْلُهُمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِمَّا هُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا أَتْبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا. بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ «و به‌سبب گفتار [سراسر دروغ] شان که: ما عیسی بن مریم فرستاده خدا را کشتیم. در صورتی که او رانکشتند و به دار نیاویختند، بلکه بر آنان مُشْتَبِه شد [به این خاطر شخصی را به گمان اینکه عیسی است به دار آویختند و کشتند] و کسانی که درباره او اختلاف کردند، نسبت به وضع وحال او در شک هستند، و جز پیروی از گمان و وهم، هیچ آگاهی و علمی به آن ندارند، و یقیناً او را نکشتند. بلکه خدا او را به‌سوی خود بالا برد و خدا همواره توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.» (نساء: ۱۵۷ و ۱۵۸).

در سال ۱۳۳۳م با گرویدن پادشاه روم به آیین مسیحیت، فرمان آزادی این آیین اعلام شد و مسیحیت دین رسمی دولت روم معرفی شد.^(۱) در ایران اکثریت مسیحیان را ارامنه^(۲) و آشوریان^(۳) تشکیل می‌دهند. در حال حاضر اکثریت جمعیت مسیحی ایران در مناطق مرکزی (تهران و اصفهان)، شمال غرب (ارومیه) و جنوب شرقی (شوش) متمرکزند.^(۴) به نظر می‌رسد که مقصود قانونگذار اساسی از قید مسیحیت همهی فرق و انشعابات دین مسیح را دربرمی‌گیرد.

مبحث دوم: مبانی دینی اساسی‌سازی اقلیت‌های مذهبی

تاکنون مفهوم مورد نظر از اقلیت‌های دینی روشن شد و تبیین مختصری از هر یک از ادیان ذکر شده در اصل ۱۳ و جایگاه آن‌ها در کشور ایران بیان شد. اکنون به‌منظور پاسخگویی به پرسش اصلی پژوهش حاضر، بررسی مبانی دینی اساسی‌سازی اصل ۱۳ قانون اساسی ضروری به نظر می‌رسد. در این زمینه می‌توان بین مبانی فقهی و کلامی اساسی‌سازی سه دین زرتشتی، کلیمی و مسیحی به‌عنوان تنها ادیان شناخته‌شده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (گفتار اول) و مبانی حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های دینی در نظام مبتنی بر شریعت اسلام (گفتار دوم) تفکیک قائل شد.

گفتار اول: مبانی دینی اساسی‌سازی ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی

در مقام مطالعه‌ی مبانی اصل ۱۳ قانون اساسی، اولین سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود آن است که چرا قانونگذار اساسی در مقام احصای ادیان شناخته‌شده تنها به سه دین زرتشتی، کلیمی و مسیحی اکتفا کرده و به سایر ادیان اشاره‌ای نداشته است. آیا این موضوع در آموزه‌های فقه و کلام اسلامی ریشه دارد؟

با نگاهی به آثار فقه‌های شیعه درمی‌یابیم که کفار و غیرمسلمانان از حیث ارتباط با حکومت اسلامی و مسلمانان به دو دسته‌ی کلی اهل کتاب و غیراهل کتاب تقسیم

۱. پژوهشکده‌ی تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، همان، صص ۲۵۶-۲۵۸.

۲. ارامنه در اصل قومی هندواروپایی ساکن ارمنستان هستند و امروز اکثریت مسیحیان ایران از این قوم هستند (مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۲، بی‌نا، بی‌تا، ص ۷۷۵).

۳. به ساکنان بخش وسطای رود دجله و کوهستان‌های مجاور آن که ابتدا تابع حکومت بابل بودند و بعد از آن حکومت مستقلی تشکیل دادند، آشوریان گفته می‌شود که باسابقه‌ترین مسیحیان ایران به‌شمار می‌روند (مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، همان، ص ۷۷۴).

۴. هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، همان، ج ۱، ص ۱۷۳.

می‌شوند که احکام تکلیفی متفاوتی بر هر کدام از آن‌ها بار می‌شود.^(۱) اصطلاح اهل کتاب توسط فقهای شیعه به دو طریق تعریف شده است. برخی فقها به بیان مفهوم اهل کتاب پرداخته و برخی از آن‌ها به ذکر مصادیق اهل کتاب اکتفا کرده‌اند. در مقام بیان مفهوم این اصطلاح باید گفت که اهل کتاب به آن دسته از غیرمسلمانانی اشاره دارد که خود را به یکی از ادیان آسمانی و یکی از فرستادگان الهی که از ناحیه‌ی خداوند متعال مأمور هدایت انسان‌ها شده است، منسوب می‌کنند؛ درحالی‌که آن آیین با آمدن دین اسلام نسخ شده است.^(۲) به بیان دقیق‌تر، مقصود از اهل کتاب، هر غیرمسلمانی است که به یکی از ادیان الهی اعتقاد داشته، خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی بداند و به یکی از کتاب‌هایی که بر انبیای الهی نازل شده است، اعتقاد داشته باشد.^(۳) بر این اساس در بیان مفهوم اهل کتاب می‌توان به نکات زیر اشاره کرد: اولاً این گروه از غیرمسلمانان، به یکی از کتاب‌های آسمانی و پیامبران الهی ایمان دارند؛ ثانیاً با آمدن دین اسلام به آن ایمان نیاورده و بر اعتقاد خود پابرجا مانده‌اند؛ ثالثاً از آن‌جا که قرآن و رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ را انکار کرده‌اند در زمره‌ی کفار و غیرمسلمانان قرار می‌گیرند.^(۴) نتیجه‌ی تفکیک غیرمسلمانان به اهل کتاب و غیراهل کتاب در آن است که احکام خاصی که در خصوص ارتباط اهل کتاب با مسلمانان و حکومت اسلامی وجود دارد، شامل غیراهل کتاب نمی‌شود، هرچند هر دو قسم داخل در عنوان غیرمسلمانان هستند.^(۵)

از سوی دیگر، برخی فقها تنها به بیان مصادیق اهل کتاب اکتفا کرده‌اند. در این خصوص باید گفت که با استناد به کتاب‌های فقهی شیعیان، پیروان دین یهود (کلیمی‌ها) و معتقدان به دین مسیحیت بی‌تردید در زمره‌ی اهل کتاب قرار

۱. تبریزی، جواد، صراط النجاة، ۷ ج، قم، دار الصدیقة الشهیدة، ۱۴۲۷ق، ج ۹، ص ۹۱.

۲. صدر، سید محمدباقر، الفتاوی الواضحة وفقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق، ص ۳۱۹.

۳. موسوی خمینی، توضیح المسائل، ۲ ج، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۴۸.

۴. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «مقصود از اهل کتاب هر کسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی «علی نبینا و آله و علیهم السلام» بداند و یکی از کتاب‌های الهی را که بر انبیاء علیهم السلام نازل شده، داشته باشند.» (خامنه‌ای، أجوبة الاستفتاءات (فارسی)، همان، ص ۶۳).

۵. تبریزی، صراط النجاة، همان، ج ۹، ص ۹۱.

می‌گیرند.^(۱) به بیان دقیق‌تر، قدر متیقن مفهوم اهل کتاب شامل دو گروه می‌شود: یهود و فرقه‌های مختلف آن که پیروان موسی بن عمران هستند و تورات کتاب آسمانی آن‌ها محسوب می‌شود و همچنین مسیحیان و فرقه‌های مختلف آن که پیروان عیسی بن مریم بوده و کتاب آسمانی آن‌ها انجیل است.^(۲) و^(۳)

علاوه بر ادیان مسیحیت و یهودیت، در میان فقهای شیعه در خصوص الحاق زرتشتیان (مجوس) و صابئین به اهل کتاب اختلاف وجود دارد. در خصوص الحاق زرتشتیان به اهل کتاب، در میان فقهای شیعه سه نظریه قابل مطالعه است؛ برخی زرتشتیان را از اهل کتاب نمی‌دانند؛^(۴) عده‌ای اهل کتاب را تنها دو گروه یهودی و مسیحی می‌دانند، اما زرتشتیان را در حکم اهل کتاب قرار می‌دهند و احکامی را که بر اهل کتاب بار می‌شود، بر آن‌ها بار می‌کنند؛^(۵) بعضی زرتشتیان را مصداقی از مصداق

۱. من غیر فرق بین المذاهب المختلفة فیهم کالکاتولیکیة و البروتستانیة و غیرهما و إن اختلفوا فی الفروع و بعض الأصول بعد أن کانوا من إحدى الفرق. (موسوی خمینی، تحریر الوسیلة، همان، ج ۲، ص ۴۹۷).

۲. علامه حلی، تذکرة الفقهاء، همان، ج ۹، ص ۴۶؛ ورعی، سید جواد، «کدام یک از اقلیت‌های دینی اهل کتاب‌اند؟»، پژوهش‌نامه‌ی فقهی، ش ۵، ۱۳۹۰، ص ۳۶.

۳. به‌عنوان مستند ذکر این دو آیین به‌عنوان ادیان اهل کتاب می‌توان به این عبارت فقهی اشاره کرد که به ذکر یهود و مسیحیت در آیات قرآن اشاره می‌کند: «و قد ورد اسم الکتابین فی عدة من آیات القرآن الحکیم منها قوله تعالی: ﴿وَ آتیناهُ الْإِنجیلَ فِیه هُدًی وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ الْتَّوْرَةِ﴾. و قوله تعالی: ﴿وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنجیلَ﴾. و قوله عز و علا: ﴿الَّذِی یُحْذِوْهُ مَکْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِی التَّوْرَةِ وَ الْإِنجیلِ﴾. (صدر، سید محمد، ماوراء الفقه، ۱۰ ج، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۴۹۲).

۴. برای نمونه ابن ابی عقیل با تقسیم غیرمسلمانان به دو دسته‌ی اهل کتاب و غیراهل کتاب، اهل کتاب را تنها پیروان یهود و مسیح می‌داند و می‌گوید: «الحکم فی المشرکین حکمان، فمن کان منهم من أهل الکتاب و هم اليهود و النصارى». (عمانی، ابن ابی عقیل، مجموعه‌ی فتاوی ابن ابی عقیل، قم، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱۱۱).

۵. برای نمونه شیخ طوسی با تقسیم غیرمسلمانان به سه گروه اهل کتاب، شبه اهل کتاب و غیراهل کتاب، زرتشتی‌ها را در زمره‌ی شبه اهل کتاب می‌داند که حکم آن‌ها حکم اهل کتاب است و می‌نویسد: «لکفار علی ثلاثة أضرب: أهل کتاب، و هم اليهود و النصارى فهؤلاء یجوز إقرارهم علی دینهم ببذل الجزية: و من له شبهة کتاب فهم المجوس فحکمهم حکم أهل الکتاب». (طوسی، المبسوط، همان، ج ۲، ص ۹۹). ازاین‌رو، کافران کتابی را به اهل کتاب یعنی یهود و نصارا و به کسانی که شبه‌ی داشتن کتاب نسبت به آنان می‌رود یعنی مجوسیان، تقسیم کرده‌اند؛ هرچند گروه دوم در حکم، یعنی پذیرش جزیه ملحق به اهل کتاب هستند. (هاشمی شاهرودی و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، همان، ج ۱، ص ۷۳۶).

اهل کتاب می‌دانند.^(۱) با نگاه اجمالی به آثار فقها می‌توان دریافت که مطابق منابع فقه شیعه، مجوس یا زرتشت نیز در کنار یهود و مسیحیت از ادیان اهل کتاب محسوب می‌شود و در این زمینه علاوه بر ادله قرآنی و روایی،^(۲) ادعای اجماع فقهای شیعه وجود دارد.^(۳) در نتیجه می‌توان گفت که زرتشتیان نیز مصداقی از مصادیق اهل کتاب محسوب می‌شوند. صابئین نیز از جمله ادیانی‌اند که در خصوص ماهیت آن‌ها اختلاف است.^(۴) از جمله اعتقاداتی که در خصوص آن‌ها بیان شده است، می‌توان گفت گروهی آنان را ستاره‌پرست، گروهی مسیحی، عده‌ای یهودی، برخی آن‌ها را پیرو شریعت نوح و برخی آن‌ها را از اهل کتاب پایبند به زبور^(۵) می‌دانند و بر همین اساس در خصوص ماهیت فقهی ارتباط آن‌ها با حکومت اسلامی نیز میان فقهای شیعه اختلاف است. برخی بر کتابی نبودن آنان ادعای اجماع کرده‌اند؛ برخی گفته‌اند اگر اصول عقاید آنان در زمره اصول عقاید یهودیان و

۱. برای نمونه ابن‌زهره حلبی در مقام تبیین اهل کتاب، زرتشتیان را در زمره آنان قرار می‌دهد و می‌گوید: «و من له کتاب - و هم اليهود و النصارى و المجوس». (حلبی، ابن‌زهره، غنیة النزوع إلی علمی الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰۲).
۲. برای مطالعه ادله قرآنی و روایی ذکر زرتشتی‌ها به‌عنوان گروهی از اهل کتاب: ر.ک: سبحانی تبریزی، جعفر، نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء، ج ۲، قم، بی‌نا، بی‌تا، ج ۱، صص ۴۶۳-۴۶۵.
۳. ورعی، «کدام‌یک از اقلیت‌های دینی اهل کتاب‌اند؟»، همان، ص ۳۹. در این خصوص مرحوم صاحب جواهر به ادعای اجماع میان فقهای شیعه استناد می‌کند و در پاسخ به نعمانی می‌نویسد: «و کذا من له شبهة کتاب و هم المجوس بلا خلاف أجدّه فیه إلا من ظاهر المحکی عن العمانی فألحقهم بعباد الأوثان و غیرهم ممن لا یقبل منهم إلا الإسلام، و لكن قد سبقه الإجماع بقسمیه و لحقه، و تظافرت النصوص» (نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، همان، ج ۲۱، ص ۲۲۸). علامه حلی نیز در این زمینه ادعای اجماع می‌کند و می‌نویسد: «و هم المجوس کان لهم نبی قتلوه و کتاب حرقوه، و حکمهم حکم أهل الذمة إجماعاً» (علامه حلی، تذکره الفقهاء، همان، ج ۹، ص ۴۶). علاوه بر این می‌توان گفت که محقون‌الدم بودن یهودیان و مسیحیان به‌علت اهل کتاب بودن آن‌هاست، درحالی‌که مهدورالدم بودن سایر غیرمسلمانان از آن جهت است که آنان نه دارای کتاب هستند و نه در خصوص آن‌ها شبهه‌ی الحاق به اهل کتاب وجود دارد. بنابراین باید در خصوص زرتشتیان نیز احتیاط نمود و آن‌ها به اهل کتاب ملحق کرد. (خامنه‌ای، سید علی، بحث حول الصابئة، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیه السلام، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹).
۴. هاشمی شاهرودی و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیه السلام، همان، ج ۱، ص ۷۳۶. مقام معظم رهبری در خصوص ماهیت صابئین می‌فرماید: «صابئین که براساس تحقیقات ما از اهل کتاب هستند و حکم آن‌ها را دارند.» (خامنه‌ای، أجوبة الاستفتاءات، همان، ص ۶۳).
۵. کتاب آسمانی داوود نبی.

مسیحیان باشد، حکم اهل کتاب بر آن‌ها بار می‌شود و برخی آن‌ها را مستقلاً مصادیقی از مصادیق اهل کتاب و در ردیف یهودیان و مسیحیان و زرتشتیان می‌دانند.^{(۱) و (۲)}

براساس آنچه بیان شد می‌توان گفت اساسی‌سازی ادیان مسیحی، زرتشتی و یهودی در آموزه‌های فقه شیعه ریشه دارد و از آن‌جا که فقهای شیعه این ادیان را در زمره اهل کتاب قرار می‌دهند، قانونگذار اساسی تنها این ادیان را به‌عنوان اقلیت‌های شناخته‌شده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده است. به بیان دقیق‌تر، علت انحصار اقلیت‌های دینی در اصل ۱۳ قانون اساسی به ادیان مسیحی، زرتشتی و یهودی، شناسایی آنان به‌عنوان اهل کتاب است و علت عدم ذکر سایر فرق و ادیان موجود در جهان نیز ناشی از قرار نگرفتن آن‌ها ذیل عنوان اهل کتاب است.

شایان ذکر است که هنگام تدوین این اصل در خصوص جایگاه صابئین نیز سؤالات و ابهامات زیادی وجود داشت که بنابر فرض قانونگذار اساسی و مبتنی بر بررسی‌ها و تحقیقات به‌عمل‌آمده، پیروان این آیین را که در مناطقی از ایران زندگی می‌کنند، شعبه‌ای از دین یهود، مسیحیت یا جمعی از هر دو دانسته‌اند^(۳) و از این‌رو از

۱. «مولانا الکریم، هل لکم أن تفیدونا عن الصابئة؟ و هل هم من أهل الکتاب کما یدعون؟ إذا کانوا فرقة من النصارى کما قيل، فهم کتابیون، و لآ ففی جریان أحكام أهل الکتاب علیهم إشکال.» (تبریزی، صراط‌النجاه، همان، ج ۹، ص ۹۱). «و هم اليهود و النصارى، و یلحق بهم المجوس و الصابئة، فإنّه یجب مقاتلتهم حتی یسلموا أو یعطوا الجزیة عن ید و هم صاغرون، و یدلّ علیہ الکتاب و السنّة.» (وحید خراسانی، حسین، منهاج‌الصالحین، ۳ ج، قم، مدرسه‌ی امام باقر علیه السلام، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۰۶) «و الصابئة ایضاً لانهم من اهل الکتاب» (روحانی قمی، سید صادق، منهاج‌الصالحین، ۳ ج، بی‌جا، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۱).

۲. هاشمی شاهرودی و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، همان، ج ۵، ص ۳۵.

۳. مکارم شیرازی: بسم الله الرحمن الرحیم. همان‌طوری که بیان کردند، چون عده‌ای از برادران صابئی ما که در نقاط مختلف مملکت زندگی می‌کنند نامه‌هایی نوشته بودند و نمایندگانی فرستاده بودند تا درباره آن‌ها در قانون اساسی تصمیم گرفته شود، به احترام پیشنهاد و فکر آن‌ها جلسه مخصوصی برای این کار تشکیل شد و علاوه بر مطالعاتی که همه دوستان ما در جلسه روی جمعیت صابئین داشتند، برای این‌که بهتر بتوانند تصمیم بگیرند مطالعات زیادی تقریباً در دو سه ساعت انجام گرفت و بعد از آن که روی تمام جوانب مطلب مطالعه کردیم به این‌جا رسیدیم که اگر ما بخواهیم طبق منابع اسلامی، کتاب و سنت و فقه اسلامی و تاریخی که در دست ما است درباره روش معامله مسلمان با گروه صابئین قضاوت صحیحی بکنیم، نمی‌توانیم طبق منابع اسلامی این‌ها را به‌عنوان یک گروه جدا از آن چهار گروه بشناسیم، بلکه در بسیاری از منابعی که مورد مطالعه قرار گرفت آمده بود که این‌ها شعبه‌ای از یهود و یا شعبه‌ای از مسیحیت یا مخلوطی از عقاید هر دو گروه می‌باشند و به

ذکر آن‌ها به صورت مستقل در قانون اساسی اجتناب کرده‌اند.

کفتار دوم: مبانی دینی حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های دینی

دومین سؤالی که در خصوص مبانی فقهی و کلامی اصل ۱۳ قانون اساسی به ذهن متبادر می‌شود آن است که قانونگذار اساسی مبتنی بر کدام یک از بنیان‌های فقه شیعه حقوق و آزادی‌هایی را برای اقلیت‌های دینی در نظر گرفته است. به بیان دقیق‌تر، کدام یک از قواعد و احکام موجود در آموزه‌های اسلامی موجب شد تا در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی که بر پایه‌ی اعتقادات اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری استوار شده است^(۱) و همه‌ی قوانین و مقررات آن باید بر اساس موازین اسلامی وضع شود،^(۲) حقوق و آزادی‌هایی برای پیروان سایر ادیان در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد به منظور پاسخگویی به این پرسش باید به بررسی و تحلیل ماهیت فقهی ارتباط میان اهل کتاب و حکومت اسلامی پرداخت. در این خصوص فقهای شیعه دو نظریه‌ی اهل ذمه بودن اهل کتاب و معاهد بودن آنان را مطرح کرده‌اند.^(۳) اکنون باید به دنبال پاسخگویی به این پرسش بود که ماهیت ارتباط

همین دلیل هم آن‌چنان که من شنیدم در بعضی از مناطق سابقاً هم عملاً وقتی رفتار می‌شده است این‌ها خودشان را شعبه‌ای از یهودیان معرفی می‌کردند؛ یعنی وقتی از مذهبشان برای کارهای اداری سؤال می‌کردند به این عنوان معرفی می‌کردند، پس اگر بخواهیم عادلانه در اینجا رفتار کنیم، همان‌جوری که در بعضی از منابع آمده است، آن‌ها می‌توانند خودشان را در یکی از این دو گروه جا بدهند. (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، همان، ج ۱، صص ۴۹۳ و ۴۹۴).

۱. اصل ۲ قانون اساسی.

۲. اصل ۴ قانون اساسی.

۳. شایان ذکر است که در کتاب‌های فقهی اقسام دیگری از قراردادهای میان حکومت اسلامی و غیرمسلمانان از جمله قرارداد مه‌ادنه (معاهده با کفار، اگرچه اهل ذمه نبوده‌اند، بر ترک حرب با ایشان تا مدت معینه با اقتضاء مصلحت وقت برای اسلام و مسلمین جایز و مشروع و نافذ است، چه با عوض باشد یا بدون آن؛ و همچنین عوض برای کفار قرار دادن یا ترک مسلمین بعض استحقاقات و انتفاعات خودشان را در آن مدت بر طبق صلاح‌دید امام یا نایب خاص او یا عام با مشروعیت نیابت او در محاربه و لواحق آن، مثل استظهار و تقویت مسلمین در ایام هدنه، یا امید دخول کفار در اسلام در ایام هدنه به اسبابی غیر قتال. (بهجت فومنی، محمدتقی، جامع‌المسائل، ۵ ج، قم، دفتر معظم‌له، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۴۲۷)) و امان (تأمین جانی، مالی یا ناموسی - بر حسب قرارداد- از سوی مسلمان به کافر حربی) اشاره کرد. (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، همان، ج ۱، ص ۶۵۲) که موضوعاً از دایره‌ی بحث حاضر خارج است.

بین حکومت جمهوری اسلامی ایران و اقلیت‌های دینی براساس قرارداد ذمه است یا اهل کتاب معاهد محسوب می‌شوند.

بند اول: اهل ذمه بودن اهل کتاب

دین اسلام به‌منظور احقاق حقوق اقلیت‌ها و جلوگیری از اخلاف آن‌ها در جامعه‌ی اسلامی قراردادی به نام ذمه را پیش‌بینی کرده است که براساس آن اقلیت‌ها در برابر حقوقی که در جامعه‌ی اسلامی دارند، مکلف به انجام وظایفی می‌شوند. بسیاری از فقهای شیعه بر این باورند که رابطه‌ی حکومت اسلامی با اهل کتاب در قالب قرارداد ذمه تعریف می‌شود و از همین رو این گروه را اهل ذمه می‌نامند. مقصود از اهل ذمه گروهی از تابعان حکومت اسلامی و از پیروان اهل کتاب هستند که بدون آنکه به اسلام ایمان آورند یا با حکومت اسلامی وارد جنگ شوند، به شرایط مذکور در قرارداد ذمه متعهد می‌شوند و حکومت اسلامی نیز در مقابل، از آنان به‌عنوان شهروند حمایت می‌کند و مسلمانان نیز حق تعرض به آنان را ندارند.^(۱) این قرارداد میان امام مسلمین یا نایب او در زمان حضور و ولی‌فقیه جامع‌الشرايط در دوره‌ی غیبت از یک طرف، و پیروان ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی از طرف دیگر منعقد می‌شود.^(۲) در کتاب‌های فقهی شرایط گوناگونی برای قرارداد ذمه ذکر شده که از جمله‌ی آن‌ها تعهد به پرداخت جزیه است.^(۳) مقصود از جزیه وجهی است که دولت اسلامی از اهل کتاب در قبال اقامت آنان در حکومت اسلامی و مصونیت از تعرض دیگران به آنان مبتنی بر قرارداد ذمه دریافت می‌کند.^(۴) در خصوص حکم دریافت جزیه نیز باید گفت که مبتنی بر ادله‌ی قرآنی،^(۵) روایی و اجماع فقهای شیعه حکم دریافت جزیه

۱. هاشمی شاهرودی و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، همان، ج ۱، ص ۷۳۲.
۲. عبدالرحمان محمود، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ۳ ج، بی‌نا، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۰؛ هاشمی شاهرودی و دیگران، فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، همان، ج ۱، ص ۷۳۲.
۳. هاشمی شاهرودی و دیگران، فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، همان، ج ۱، ص ۷۳۲.
۴. و هی الوظيفة المأخوذة من أهل الكتاب لإقامتهم بدار الإسلام و كف القتال عنهم (نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، همان، ج ۲۱، ص ۲۲۷).
۵. «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا يَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»؛ «با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمردند، و نه آیین حق را می‌پذیرند پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم جزیه را به دست خود بپردازند.» (توبه: ۲۹).

وجوب است^(۱) و این امر در سیره و سنت رسول خدا ﷺ ریشه دارد.^(۲) علاوه بر این بنابر ادعای اجماع فقهای شیعه میزان جزیه سقف مشخصی ندارد و از نظر کمی و کیفی در اختیار حاکم اسلامی است و هر گونه او مصلحت ببیند، مقدار، کم و کیف و نوع آن را تعیین می‌کند.^(۳)

از شرایط دیگر قرارداد ذمه می‌توان به پرهیز از رفتاری که با امان و صلح منافات دارد، همانند قصد بر جنگ با مسلمانان یا همکاری با دشمنان مسلمان، پرهیز از آزار رساندن به مسلمانان همانند اعمال منافی با عفت، دزدی اموال مسلمانان، عدم تظاهر به محرمات اسلامی همانند شرب خمر و نکاح با محارم و خوردن گوشت خوک، خودداری از احداث معبد و پایبندی به قوانین و مقررات دولت اسلامی اشاره کرد.^(۴)

فقهای شیعه بر این باورند که از میان شرایط مذکور، شرط وجوب پرداخت جزیه و پایبندی به قوانین حکومت اسلامی باید در قرارداد ذکر شود و بدون ذکر آنها قراردادی منعقد نمی‌شود.^(۵) مخالفت با شرط پرهیز از انجام اعمال منافی با قرارداد هرچند در متن آن ذکر نشده باشد، موجب بطلان قرارداد می‌شود و مخالفت با سایر

۱. علامه حلی، تذکرة الفقهاء، همان، ج ۹، ص ۲۷۵.

۲. هاشمی شاهرودی و دیگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ﷺ، همان، ج ۳، ص ۸۴.

۳. طوسی، تهذیب الأحکام، همان، ج ۴، ص ۱۱۷؛ قاسمی، محمدعلی و پژوهشگران دانشگاه علوم اسلامی رضوی، فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، ۲ ج، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۲۶ق، صص ۱۸۲-۱۸۴.

۴. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ۴ ج، قم، مؤسسه‌ی اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق، ج ۱، صص ۳۰۰-۳۰۱. صاحب کتاب دراسات در این خصوص می‌نویسد: «شرط است که همراه با پرداخت جزیه، به احکام اسلام [مربوط به آنان] پایبند باشند پس اگر از التزام به احکام سرباز زدند، یا با مسلمانان به قتال برخاستند، یا با زن مسلمانی زنا کردند یا به اسم ازدواج با وی رابطه برقرار کردند، یا مسلمانی را از دین منحرف کردند، یا به منظور دزدی راه را بر مسلمانی بستند، یا به مشرکین پناه دادند، یا اسرار مخفی مسلمانان را در اختیار دشمنان گذاشتند یا مسلمانی را به قتل رساندند، یا از خداوند متعال و رسول او و دین اسلام، به گونه‌ای که جایز نیست یاد کردند، در همه این موارد ذمه آنان گسسته خواهد شد، و طبق صحیح‌ترین نظریه مرتکب این اعمال در دم کشته شده و اموال او به نفع مسلمانان ضبط خواهد شد.» (منتظری نجف‌آبادی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، همان، ج ۳، ص ۴۳۷).

۵. هاشمی شاهرودی و دیگران، فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت ﷺ، همان، ج ۱، ص ۷۷۲ و ۷۷۳.

شرایطی که در عقد ذکر شده است، عقد را باطل می‌کند.^(۱) بر این اساس از آنجا که جزیه مقوم قرارداد ذمه محسوب می‌شود، در صورتی که شرط جزیه ذکر نشود، قراردادی شکل نمی‌گیرد.^(۲) از آنجا که در حال حاضر اقلیت‌های دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران مکلف به پرداخت جزیه نیستند، نمی‌توان نحوه‌ی قرارداد آن‌ها با حکومت اسلامی را در قالب قرارداد ذمه تعریف کرد.

بند دوم: معاهد بودن اقلیت‌های دینی

براساس دیدگاه دوم، ماهیت ارتباط اهل کتاب با حکومت اسلامی معاهده‌ای است که میان حکومت اسلامی از یک سو و اقلیت‌های دینی مسیحی، یهودی و زرتشتی از سوی دیگر منعقد شده است. در این خصوص باید گفت که واژه‌ی معاهد به غیرمسلمانانی گفته می‌شود که با دولت اسلامی قرارداد بسته‌اند. این واژه دارای دو مفهوم است: در صورتی که معاهد در کنار اهل ذمه قرار گیرد، قسیم آن محسوب می‌شود، و اگر به تنهایی ذکر شود شامل اهل ذمه نیز می‌شود؛ چراکه اطلاق عهد و معاهده شامل همه‌ی قراردادهای حکومت اسلامی با غیرمسلمانان می‌شود و قرارداد ذمه نیز جزیی از آن به‌شمار می‌رود.^(۳) در پژوهش حاضر مقصود از قرارداد معاهده، قسیم قرارداد ذمه است. براساس این دیدگاه غیرمسلمانان در حکومت اسلامی براساس قراردادی که با حکومت منعقد کرده‌اند، به‌منزله‌ی معاهد تلقی می‌شوند.

نظریه‌ی معاهد بودن غیرمسلمانان در نظام اسلامی، بر پایه‌ی ادله‌ی قرآنی و سیره و سنت ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام استوار شده است. در این خصوص باید گفت آن دسته از آیات قرآن کریم که در آن‌ها به لزوم وفای عهد نسبت به همه کسانی اشاره دارد که اقدام به انعقاد قراردادهایی با مسلمانان می‌کنند (به‌ویژه اهل کتاب)، دلیلی بر امکان انعقاد معاهده میان حکومت اسلامی و غیرمسلمانان است.^(۴) و^(۱)

۱. نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، همان، ج ۲۱، صص ۲۶۷-۲۷۱.
 ۲. یجب شرطه و لا یجوز ترکہ، و هو شرط الجزیة علیهم و التزام أحكام الإسلام (علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، ۶ ج، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۰۹).

۳. شریعتی، حقوق اقلیت‌ها، همان، ص ۲۱.

۴. از جمله‌ی این آیات می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

۱- ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ و به عهد خویش وفا کنید که بازخواست خواهید شد. (اسراء: ۳۴).

علاوه بر این در روایات ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام به عهد با غیرمسلمانان و تعیین حقوقی برای آنان اشاره شده که دلیلی بر امکان انعقاد معاهده با اهل کتاب در حکومت اسلامی تلقی می‌شود.^(۲) مضاف بر اینکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم به‌عنوان حاکم جامعه‌ی اسلامی در مدینه با امضای معاهده‌هایی با مشرکان مکه، یهود مدینه، نصاری نجران و دیگر گروه‌های غیرمسلمان، تعهد به همزیستی و رفتار مطابق با آداب و اخلاق نیکو در معامله و معاشرت با آنان کرد.^(۳) برای نمونه ایشان در عهدنامه‌ای با

۲- «إِنَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»؛ «مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بستید، سپس چیزی [از شرایط پیمان را] نسبت به شما نکاستند و احدی [از دشمنان را] بر ضد شما یاری نکردند، پس به پیمانشان تا پایان مدتشان وفادار باشید زیرا خدا پرهیزکاران را دوست دارد.» (توبه: ۷).

۳- «وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا»؛ «آنان به عهدشان وفا دارند هنگامی که پیمانی بستند.» (بقره: ۱۰۷).

۱. عمید زنجانی، فقه سیاسی، همان، ج ۳، ص ۲۷۹.

۲. همان، ص ۲۸۰. برای نمونه می‌توان از موضوعاتی همانند احادیث دیه‌ی معاهد، احادیث مربوط به کبیره بودن قتل معاهد، احادیث در زمینه‌ی لزوم وفاداری نسبت به معاهد و احترام تعهداتی که به او داده شده، احادیث مربوط به تحریم ستم و تعدی نسبت به معاهد و بی‌حرمتی به وی، احادیث در زمینه‌ی احترام به اموال معاهدین و احادیث نفی زکات از معاهدین یاد کرد.

۳. منتظری نجف‌آبادی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، همان، ج ۵، ص ۲۴۴. از جمله‌ی این معاهدات می‌توان به صحیفه‌النبی یا قانون اساسی مدینه اشاره کرد که مبتنی بر آن پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم پس از حضور در مدینه و ایجاد مقدمات تشکیل حکومت اسلامی در این شهر از جمله پیمان عقبه، وجوب هجرت، نظام برادری و سرانجام تأسیس نهاد مسجد، اقدام به تعیین عناصر ساخت درونی قدرت مبتنی بر اندیشه‌ی اسلامی کرد. این صحیفه به‌عنوان معاهده‌ای میان پیامبر و غیرمسلمانان مدینه نیز تلقی می‌گردد و در آن حقوق و تکالیفی برای قبایل غیرمسلمان مدینه در نظر گرفته شده بود. برای نمونه بند ۱۶ این صحیفه مقرر می‌دارد: «هر کس از یهود، از ما پیروی کند، بی‌هیچ ستم و تبعیض، از یاری و برابری برخوردار خواهد شد». در بند ۲۰ آن آمده است: «هیچ مشرکی نباید مال یا جان افراد قریش را در پناه خود گیرد و از دستیابی مؤمنی به آنها جلوگیری کند». در بند ۲۵ آن ذکر شده: «یهود بنی‌عوف، خود و بستگانشان امتی همراه با مسلمانان هستند؛ دین یهود از آن ایشان و دین مسلمانان از آن مسلمانان است؛ مگر کسی که با پیمان‌شکنی ستم کند و راه گناه در پیش گیرد، که چنین کسی جز خود و خانواده‌اش را تباه نخواهد ساخت». سایر قبایل یهود از جمله بنی‌نجر، بنی‌ساعده، بنی‌الأوس و ... نیز دارای همین حقوق هستند. (فیرحی، تاریخ تحول دولت در اسلام، همان، صص ۱۱۸-۱۲۷). برای مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی قانون اساسی مدینه رک:

THE FIRST WRITTEN CONSTITUTION IN THE WORLD, HAMIDULLAH, MUHAMMAD, SH. MUHAMMAD ASHRAF, 1394 H - 1975

اهل مدینه «برای قبایل یهود و بردگان و هم‌پیمانان آنان حقوق اجتماعی خودشان را قائل شده و امنیت و آزادی مذهب و سایر شئون اجتماعی آنان را محترم شمرده؛ به شرط اینکه با مسلمانان همراهی کنند و همانند مسلمانان در برابر تهاجم مهاجمین مخارج جنگ را بپردازند».^(۱)

با چنین رویکردی به آموزه‌های اسلامی می‌توان ماهیت ارتباط اهل کتاب و حکومت اسلامی را مبتنی بر معاهده دانست. از همین رو فقهای شیعه، اهل کتاب را در حکومت اسلامی معاهد می‌دانند.^(۲) امام خمینی ره در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا رابطه‌ی اهل کتاب با حکومت اسلامی در حال حاضر رابطه‌ی اهل ذمه است؟ می‌فرماید: «آنان تا زمانی که مطیع قوانین و مقررات دولت اسلامی که در حمایت آن زندگی می‌کنند، باشند و کاری که منافی با امان است، انجام ندهند، حکم معاهد را دارند».^(۳) شایان ذکر است که بر خلاف قرارداد ذمه که شرایط آن به صورت دقیق در کتاب‌های فقهی ذکر شده، شرایط معاهده‌ی اهل کتاب و حکومت اسلامی در اختیار حاکم جامعه است و وی متناسب با مصالح و اقتضائات حکومت اسلامی اقدام به انعقاد معاهده با غیرمسلمانان می‌کند.^(۴) با نگاهی به اصل ۱۳ قانون اساسی، به نظر می‌رسد که قانونگذار اساسی ماهیت ارتباط بین نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و اقلیت‌های دینی مسیحی، یهودی و زرتشتی را مبتنی بر معاهده می‌داند و پیروان این ادیان را معاهد محسوب می‌کند. مبتنی بر این فرض، عهد اهل کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که اصول آن برگرفته از آیات و روایات و دیدگاه‌های فقه‌است و این عهد میان حاکم جامعه‌ی اسلامی و اهل کتاب منعقد می‌شود. بر این اساس اهل کتاب از حقوق مذکور در این قانون در چارچوب آموزه‌های اسلامی بهره‌مند می‌شوند. در این زمینه باید گفت از یک سو با نگاهی به آموزه‌های فقه شیعه در

۱. منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، همان، ج ۵، ص ۲۹۱.

۲. مقام معظم رهبری در پاسخ به استفتایی در این خصوص می‌فرماید: هل یجری علی اهل الکتاب الذین یعیشون فی البلاد الإسلامیة حکم اهل الذمة «ج: حکمهم ما داموا خاضعين لقوانين و مقررات الدولة الإسلامیة التي یعیشون تحت ظلها هو حکم المعاهد ما لم یفعلوا ما ینافی الأمان» (خامنه‌ای، أجوبة الاستفتاءات، همان، ج ۱، ص ۱۸۷).

۳. موسوی خمینی، توضیح المسائل، همان، ج ۲، ص ۷۷۹.

۴. محمدی خراسانی، علی، شرح تبصرة المتعلمین، ۲ ج، بی‌نا، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۷.

خصوص ماهیت ارتباط اهل کتاب با حکومت اسلامی و شرایطی که برای قراردادهای گوناگون در فقه در این زمینه پیش‌بینی شده است و از سوی دیگر با توجه به اصل ۱۳ قانون اساسی که در مقام بیان جایگاه اهل کتاب در نظام مبتنی بر حاکمیت شریعت است، به‌نظر می‌رسد قانونگذار اساسی ماهیت ارتباط اهل کتاب با حکومت اسلامی را در معاهد بودن آنان می‌داند، از همین‌رو بدون در نظر گرفتن شرط مقوم قرارداد ذمه یعنی پرداخت جزیه، حقوق و تکالیفی را برای اهل کتاب در نظر می‌گیرد و به بیان دقیق‌تر حقوق و تکالیف اهل کتاب در قانون اساسی ریشه در معاهد بودن آن‌ها دارد.

مبحث سوم: تکالیف و حقوق اهل کتاب معاهد در حکومت اسلامی

بررسی تکالیف و حقوق اهل کتاب مبتنی بر معاهده‌ی آن‌ها با حکومت اسلامی ضروری به‌نظر می‌رسد. بر این اساس در دو گفتار حقوق و تکالیف اهل کتاب معاهد در حکومت اسلامی بررسی می‌شود.

گفتار اول: تکالیف اهل کتاب در حکومت اسلامی

پس از روشن شدن ماهیت ارتباط میان اهل کتاب و حکومت اسلامی، اولین سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود آن است که اهل کتاب در صورت معاهد بودن چه تکالیفی بر عهده دارند. هرچند تعیین شروط معاهده، بر عهده‌ی امام مسلمین است و او براساس مصالح حکومت اسلامی و اختیارات مقام ولایت فقیه اقدام به تعیین حقوق و تکالیف پیروان ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی می‌کند، به‌نظر می‌رسد براساس آموزه‌های فقه شیعه تکالیفی را می‌توان به‌عنوان وظایف پیروان اقلیت‌های دینی در حکومت‌های اسلامی برشمرد. به‌نظر مهم‌ترین تکالیف اهل کتاب عبارت‌اند از:

۱. التزام به قوانین و مقررات حکومت اسلامی؛
 ۲. انجام ندادن فعالیت‌های منافی با امنیت مسلمانان؛
 ۳. ممنوعیت تظاهر به منکرات اسلامی؛
 ۴. ممنوعیت تبلیغ دین و ترویج شعائر اقلیت‌ها.
- بر این اساس مطابق منابع فقه شیعه، اولاً اهل کتاب نباید در جریان اجرای احکام اسلامی در جامعه‌ی مسلمانان اخلاقی ایجاد کنند^(۱) و موظف‌اند همه‌ی احکامی را که

۱. فقهای شیعه بر این باورند که مفهوم «صاغرون» در آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی توبه که بیان می‌دارد: «یا کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده

از جانب حکومت اسلامی بر مبنای شریعت اسلام در همه‌ی زمینه‌ها صادر شده است رعایت کنند؛ اعم از ادای حق یا ترک امر حرام، هرچند علیه آنان باشد. در صورت عدم رعایت این اصل با مجازات متناسب کیفر خواهند شد.^(۱) به نظر می‌رسد ذکر این شرط در معاهده مابه‌ازای شرط پرداخت جزیه در قرارداد ذمه محسوب می‌شود؛ ثانیاً از منظر فقهای شیعه اهل کتاب نمی‌توانند امنیت جامعه‌ی اسلامی را مخدوش کنند؛ بر این اساس اقلیت‌های دینی در جامعه‌ی اسلامی حق انجام اعمالی همانند کذب و هتک حرمت،^(۲) اعمال منافی عفت با مسلمانان،^(۳) سرقت^(۴) و قطع طریق،^(۵) اقدام علیه دین مثل دشنام و سب به پیامبر و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام،^(۶) گمراه کردن مسلمانان و تبلیغ بین مسلمانان علیه اسلام^(۷) و اقدام علیه کشور همانند جاسوسی و پناه دادن به جاسوس،^(۸) تصمیم و عزم به جنگ با مسلمانان^(۹) و کمک به دشمنان و مشرکانی که در جنگ با کشور اسلامی‌اند^(۱۰) را که موجب از بین رفتن امنیت و آسایش و ایجاد مزاحمت‌های مادی و معنوی برای مسلمانان می‌شود، ندارند. از سوی دیگر، اقلیت‌های

حرام می‌شمرند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی‌که با خضوع و تسلیم (صاغرون)، جزیه را به دست خود بپردازند»، التزام به احکام اسلامی و همچنین اجرای آن‌هاست (علامه حلی، حسن بن یوسف، منتهی‌المطلب فی تحقیق‌المذهب، ۱۵ ج، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۸۱).

۱. نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع‌الاسلام، همان، ج ۲۱، ص ۲۷۱.
۲. علامه حلی، حسن بن یوسف حلی، ارشاد الاذهان، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۲.
۳. عاملی، شهید ثانی، مسالک‌الافهام إلى تنقیح شرایع‌الاسلام، همان، ج ۳، ص ۷۵.
۴. اردبیلی، احمدین محمد، مجمع‌الفائده و البرهان، قم، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۲۳۸.
۵. محقق کرکی عاملی، علی بن حسین، جامع‌المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳ ج، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۷۷.
۶. نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع‌الاسلام، همان، ج ۲۱، ص ۲۶۸.
۷. محقق کرکی، جامع‌المقاصد فی شرح القواعد، همان، ج ۳، ص ۳۷۷.
۸. محقق حلی، شرایع‌الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، همان، ج ۱، ص ۳۰۰.
۹. سبزواری، کفایه الاحکام، همان، ج ۱، ص ۳۷۰.
۱۰. همان، ج ۱، ص ۳۷۰.

دینی نمی‌توانند تظاهر و اقدام به اعمالی کنند که از منظر آموزه‌های اسلامی حرام و ممنوع است، حتی اگر در آموزه‌های دینی آن‌ها مجاز شمرده شود. از جمله‌ی این امور می‌توان به فروش و خوردن شراب، فروش و خوردن گوشت خوک، تظاهر به اعمال منافی عفت و ازدواج با محارم اشاره کرد.^(۱) علاوه بر این تبلیغ و ترویج اقلیت‌های دینی و نمادهای آنان در نظام مبتنی بر حاکمیت شریعت اسلام ممنوع است. بر این اساس فقهای شیعه در کتاب‌های فقهی حکم به عدم جواز تبلیغ آیین اقلیت‌های دینی به صورت گسترده و در سطح عموم جامعه کرده و ترویج نمادهای آنان را نیز ممنوع دانسته‌اند.^(۲) شایان ذکر است که حاکم جامعه‌ی اسلامی باید به نحوی به انعقاد معاهده اقدام کند که موجب منفعت و رفعت مسلمانان و تشویق غیرمسلمانان به گرایش به شریعت اسلام شود.^(۳)

گفتار دوم: حقوق اهل کتاب در حکومت اسلامی

اقلیت‌های دینی که به عنوان معاهد در حکومت اسلامی در کنار مسلمانان زندگی می‌کنند، در مقابل وظایفی که بر عهده دارند، از مجموعه‌ای از حقوق نیز برخوردارند. مقصود از حقوق اقلیت‌های دینی مجموعه‌ی تعهداتی است که حکومت اسلامی و مسلمانان در قبال پیروان ادیان اهل کتاب برعهده دارند. در ادامه، حقوق اقلیت‌های دینی مبتنی بر اصل ۱۳ قانون اساسی می‌شود.^(۴) مهم‌ترین حقوق مذکور در این اصل

۱. نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، همان، ج ۲۱، ص ۲۶۹.

۲. «کفار (غیر مسلمانان)، خواه دمی یا غیردمی در جامعه و کشور اسلامی، حق ندارند به تبلیغ مذاهب فاسدشان و نشر کتاب‌های ضاله خود پردازند و یا مسلمانان و فرزندان مسلمانان را به مذاهب باطل خود فراخوانند. در صورت انجام چنین کاری، واجب است تعزیر شوند و بر کارگزاران دولت‌های اسلامی است که به هر وسیله ممکن از این کار ممانعت به عمل آورند. علاوه بر این‌ها بر مسلمانان نیز واجب است که از کتاب‌ها و مجالس آن‌ها اجتناب کنند و به فرزندان خود نیز اجازه ندهند که به چنین مجالسی رفت‌وآمد نمایند. در صورتی که از کتاب‌ها و سایر مکتوبات ضاله آن‌ها چیزی به دست مسلمانان برسد واجب است آن را از بین ببرند.» (موسوی خمینی، تحریرالوسیله، همان، ج ۴، ص ۲۶۷).

۳. نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، همان، ج ۲۱، ص ۲۷۱. «ینبغی أن یشرط علیهم فی عقد الذمة کل ما فیه نفع و رفعة للمسلمین، و ضعة لهم، و ما یقتضی دخولهم فی الإسلام من جهة رغبة أو رهبة».

۴. شایان ذکر است که مطابق سایر اصول قانون اساسی از جمله اصول مذکور در فصل حقوق ملت نیز می‌توان حقوقی همانند مصونیت تعرض حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص در حدود قانون، ممنوعیت تفتیش عقاید، تشکیل انجمن‌های اقلیت‌های دینی، داشتن مسکن متناسب با

برای پیروان ادیان مسیحی، زرتشتی و یهودی عبارت‌اند از: آزادی در انجام مراسم عبادی و تعلیمات دینی و آزادی در احوال شخصیه و آزادی.

بند اول: آزادی انجام مراسم عبادی و آزادی تعلیمات دینی

از جمله حقوقی که در اصل ۱۳ قانون اساسی برای اقلیت‌های دینی شناخته شده، آزادی در انجام مراسم عبادی و آزادی تعلیمات دینی است. بر این اساس اقلیت‌های دینی در حدود قانون حق دارند آزادانه و بدون هیچ‌گونه تعرضی به انجام مراسم دینی و مذهبی خود بپردازند و مطابق با آموزه‌های دینی خود قواعد و مقررات دینی را به پیروان آن دین تعلیم دهند. با نگاهی به سنت و سیره‌ی رسول خدا ﷺ درمی‌یابیم که ایشان اجازه‌ی فعالیت‌های دینی راهبان و کاهنان و تعلیم پیروان ادیان مسیحی، زرتشتی و یهودی را می‌دادند.^(۱) فقهای شیعه نیز انجام مراسم مذهبی در حکومت اسلامی را حق اقلیت‌های دینی می‌دانند و آن را مجاز می‌شمردند و بر این باورند که تعرض به معابد یهودیان و مسیحیان که در عهد با حکومت اسلامی بوده، جایز نیست.^(۲) امام خمینی رحمته‌الله در این خصوص می‌فرماید: «به این [یهودی‌ها] که در ایران هستند کسی حق ندارد تعرض بکند، این‌ها در پناه اسلام و مسلمین هستند. نه به یهودی‌ها و نه به نصارا. این‌هایی که مذهب رسمی دارند، حق ندارند [تعرضی] بکنند».^(۳) بر این اساس از جمله آزادی‌های مشروع اقلیت‌های دینی در سراسر

نیاز و حقوق مربوط به دادرسی عادلانه را برای پیروان اقلیت‌های دینی برشمرد که از موضوع بررسی مبانی تحلیل اصل ۱۳ قانون اساسی خارج است.

۱. برای نمونه می‌توان به نامه‌ی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اسقف نجران اشاره کرد که حضرت در آن می‌فرماید: «از محمد پیامبر به اسقف ابی الحارث و سایر اسقف‌ها و کاهنهای نجران و راهبهای آنان و کسانی که از آنان پیروی می‌کنند! هر آنچه در اختیار آنان است چه کم و چه زیاد از صومعه و کلیسا و دیرهایشان، همه در اختیار آنان و در پناه خدا و رسول خداست. هیچ اسقفی از اسقفیت خویش و هیچ راهبی از رهبانیت خویش و هیچ کاهنی از کهنات خویش عوض نمی‌شود. و هیچ حقی از حقوق آنان ضایع نمی‌گردد، و حاکمیت آنان محفوظ است، و آنچه را دارند از آنان گرفته نمی‌شود. [و اینان همیشه در پناه خدا و رسول خدا هستند] تا زمانی که به راه نیکی روند و آنچه را با آنان صلح شده به نیکی بپذیرند، نه ستم بپذیرند و نه ستم کنند» (منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، همان، ج ۵، ص ۲۹۶).

۲. بهجت فومنی، محمدتقی، استفتاءات، ۴ ج، قم، دفتر حضرت آیه‌الله بهجت، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۹۹.

۳. موسوی خمینی، صحیفه‌ی امام، همان، ج ۵، ص ۲۵۲.

حکومت اسلامی آزادی برگزاری شعائر مذهبی و حق انجام مراسم و عبادات و تعلیم امور مرتبط به هر یک از ادیان مسیحی، کلیمی و زرتشتی است. آنان می‌توانند در حدود قانون از این حق مشروع استفاده کنند، با امنیت و آزادی کامل در مراسم دینی در معابد و اماکن مقدسه‌ی خود شرکت جویند و بدون هیچ تعرضی به تعلیم دینی پیروان مذهب خود بپردازند.^(۱) شایان ذکر است که حق تعلیم مطابق آموزه‌های اقلیت‌های دینی، منافی با وظیفه‌ی دولت اسلامی در نشر و ترویج اندیشه‌های اسلامی و ترغیب اهل کتاب به سمت اسلام نیست.

یکی از موضوعات مرتبط با آزادی انجام مراسم دینی و اقلیت‌ها در حکومت اسلامی، بررسی امکان یا عدم امکان احداث معابد توسط پیروان ادیان اقلیت است که در این زمینه بیشتر فقهای شیعه بر این باورند که مبتنی بر عقد ذمه، احداث معبد جدید مغایر با قرارداد محسوب می‌شود.^(۲) این در حالی است که حاکم جامعه‌ی اسلامی می‌تواند مبتنی بر معاهده، در صورت مصلحت و ضرورت جامعه‌ی اسلامی اجازه‌ی احداث معابد در شهرهای حکومت اسلامی را صادر کند.^(۳)

بند دوم: آزادی احوال شخصیه

یکی دیگر از حقوق مصرح در اصل ۱۳ قانون اساسی آزادی احوال شخصیه‌ی اهل کتاب است. از احوال شخصیه تعاریف متعددی بیان شده^(۴) که به نظر می‌رسد قانونگذار اساسی با ذکر مصادیق احوال شخصیه در اصل ۱۲ قانون اساسی به ازدواج، طلاق، ارث و وصیت، دایره‌ی این مفهوم را به مصادیق ذکرشده محدود کرده است. بر این اساس اقلیت‌های دینی مسیحی، یهودی و زرتشتی در امور مرتبط با ارث، وصیت، ازدواج و طلاق مطابق با آموزه‌های دینی خودشان عمل می‌کنند. فقهای شیعه ازدواج و طلاق اهل کتاب را در صورتی که مطابق با آموزه‌های آیین خودشان باشد، صحیح تلقی

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیت‌ها، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۴.

۲. نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، همان، ج ۲۱، ص ۲۷۰؛ کلاتری ارسنجانی، علی‌اکبر، الجزیه و أحكامها فی الفقه الإسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۳.

۳. شریعتی، اقلیت‌های دینی، همان، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۴. برای مطالعه‌ی بیشتر در زمینه‌ی تعاریف ارائه‌شده ر.ک: تحلیل مبانی اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

می‌کنند^(۱) و بر همین اساس قذف^(۲) (کسی را که مطابق با آیین خود ازدواج کرده باشد)، حرام می‌دانند.^(۳) در خصوص ارث نیز فقها بر این باورند که غیرمسلمانان پیرو هر آیینی که باشند، می‌توانند از یکدیگر ارث ببرند، چراکه کفار از هر کیش و آیینی که باشند یک قوم و ملت محسوب می‌شوند.^(۴) هرچند وجود یک وارث مسلمان مانع از ارث بردن همه‌ی غیرمسلمانان می‌شود.^(۵)

بر همین اساس مطابق اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوبه‌ی رسیدگی به دعاوی مطروحه در زمینه‌ی احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده است که مستند به آن قضات دادگاه‌ها مکلف‌اند در دعاوی مربوط به اهل کتاب مطابق با آموزه‌های مسلم آن‌ها حکم صادر کنند.^(۶)

۱. محقق کرکی عاملی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، همان، ج ۱۲، ص ۳۹۳؛ «العقد الواقع بین الکفار لو وقع صحیحاً عندهم و علی طبق مذهبهم یترتب علیه آثار الصحیح» (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، همان، ج ۴، ص ۱۳۲).

۲. «در عرف فقها، نسبت زنا و لواط به کسی دادن است» (منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، همان، ج ۸، ص ۴۳۴).

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، همان، ج ۲۶، ص ۳۱۹.

۴. «و أما الکفار فانهم یتوارثون و إن اختلفوا فی الملل و النحل بلا خلاف معتد به أجده فيه، لعموم الأدلة و خصوص النصوص و الإجماع بقسمیه، لأن الکفر ملّة واحدة، و نفی التوارث بین الملتین مفسر فی النصوص بالإسلام و الکفر». (نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، همان، ج ۳۹، ص ۳۲).

۵. «الکفار یتوارثون و إن اختلفوا فی الملل و النحل فیرث النصرانی من اليهودی و بالعکس، بل یرث الحربی من الذمی و بالعکس، لکن یشترط فی إرث بعضهم من بعض فقدان الوارث المسلم كما تقدم» (سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ج ۳، قم، دفتر حضرت آیت‌الله سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۲۳).

۶. مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام از باب بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی: «ماده‌واحدہ رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عیناً و به شرح ذیل به تصویب رسید: نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه به موجب ماده‌واحدہ قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مردادماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده، فلذا دادگاهها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات

جمع‌بندی

اصل ۱۳ قانون اساسی در مقام تبیین جایگاه اقلیت‌های دینی در نظام مبتنی بر حاکمیت شریعت اسلام است. بر این اساس در مقام جمع‌بندی تحلیل و بررسی مبانی فقهی و کلامی اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت:

اولاً مقصود از اقلیت در ادبیات حقوقی گروهی است که ویژگی‌های متمایزی از لحاظ دینی، مذهبی، قومی و مانند این‌ها دارند؛ جمعیت آن‌ها نسبت به سایر اقشار جامعه کمتر است؛ قدرت سیاسی در اختیار آن‌ها قرار ندارد و دارای تابعیت نظام حقوقی مشخصی‌اند و این تابعیت ناشی از خصوصیت مشترکی میان آنان و جمعیت اکثریت جامعه است که موجب ایجاد پیوند بین جمعیت اقلیت و اکثریت می‌شود. بر همین مبنا مقصود مورد نظر از اقلیت‌های دینی در اصل ۱۳ قانون اساسی گروه اندکی از مردم ایران است که پیرو دینی مخالف دین اسلام به‌عنوان دین رسمی مردم ایران باشند و از نظر تابعیت نیز تابعان جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

ثانیاً براساس قانون اساسی تنها اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ادیان مسیحی (پیروان حضرت عیسی علیه السلام و کتاب انجیل)، کلیمی (پیروان حضرت موسی علیه السلام و کتاب تورات) و زرتشتی (پیروان آیین زرتشت و کتاب اوستا) هستند.

ثالثاً ذکر این سه آیین به‌عنوان تنها اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ریشه در اهل کتاب بودن آن‌ها دارد. اهل کتاب به آن دسته از غیرمسلمانانی اشاره دارد که به یکی از کتاب‌های آسمانی و پیامبران الهی ایمان دارند؛ با آمدن دین اسلام به آن ایمان نیاوردند و بر اعتقاد خود پا برجا ماندند و از آن‌جا که

مسلمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند. این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»
شایان ذکر است که پیش از این مصوبه، براساس نظر شرعی فقهای شورای نگهبان رعایت قواعد و عادات مسلمه در خصوص اقلیت‌های دینی در دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران محدود به مواردی بود که شارع مقدس احکام دین مورد نظر را امضا کرده است. (یزدی، قانون اساسی برای همه، همان، ص ۱۸۶).

قرآن و رسالت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله را انکار کرده‌اند، در زمره‌ی کفار و غیرمسلمانان قرار می‌گیرند. در اندیشه‌ی فقهای شیعه ادیان مسیحی و کلیمی بی‌تردید مصادیق اهل کتاب محسوب می‌شوند. زرتشت نیز مبتنی بر ادله‌ی قرآنی و روایی و همچنین اجماع فقهای شیعه مشمول احکام اهل کتاب می‌شوند. در خصوص ماهیت صابئین نیز اختلاف‌هایی وجود دارد که در فهم قانونگذار اساسی این گروه جزئی از یهود یا مسیحیت محسوب شده‌اند و از این‌رو از ذکر آن‌ها به‌صورت مستقل در اصل ۱۳ اجتناب کرده است.

رابعاً در اندیشه‌ی اسلامی می‌توان دو نوع رابطه میان اهل کتاب و حکومت اسلامی متصور شد: براساس فرض اول میان اهل کتاب و حکومت اسلامی قرارداد ذمه وجود دارد و آنان ملزم به تحقق شرایط ذمه از جمله تعهد به پرداخت جزیه، پرهیز از رفتار منافی با امان و صلح، پرهیز از آزار رساندن به مسلمانان، عدم تظاهر به محرّمات اسلامی، خودداری از احداث معبد جدید و پایبندی به قوانین و مقررات دولت اسلامی‌اند. براساس فرض دوم نیز اهل کتاب معاهد حکومت اسلامی تلقی می‌شوند و عهد آنان مطابق با شرایطی که حاکم جامعه‌ی اسلامی صلاح می‌داند، مبتنی بر اصل لزوم پایبندی به قراردادهای سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اختیارات حاکم در اداره‌ی حکومت اسلامی منعقد می‌شود. از آن‌جا که اقلیت‌های شناخته‌شده در قانون اساسی ملزم به شرط مقوم عقد ذمه یعنی پرداخت جزیه نیستند، نمی‌توان آن‌ها را از زمره‌ی اهل ذمه محسوب کرد و از این‌رو قانون اساسی اقلیت‌های دینی را معاهد نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب کرده است. اقلیت‌های دینی و حاکم جامعه اسلامی طرفین عهد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان معاهده تلقی می‌شود.

خامساً مبتنی بر این معاهده، اقلیت‌های دینی در حکومت اسلامی حقوق و تکالیفی برخوردارند که می‌توان از التزام به قوانین و مقررات حکومت اسلامی، انجام ندادن فعالیت‌های منافی با امنیت مسلمانان، ممنوعیت تظاهر به منکرات اسلامی، ممنوعیت تبلیغ دین و ترویج شعائر اقلیت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین تکالیف اقلیت‌های دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران یاد کرد. آزادی انجام مراسم عبادی، آزادی تعلیمات دینی و آزادی احوال شخصیه مبتنی بر آموزه‌های آیین آن اقلیت نیز مهم‌ترین حقوق پیروان ادیان مسیحی، کلیمی و زرتشتی در اصل ۱۳ قانون اساسی تلقی می‌شود.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir